

# حقوق سازمان تجارت جهانی و حقوق بشر

تاریخ دریافت: ۸۲/۷/۳

تاریخ تأیید: ۸۲/۹/۲۸

ارنست آریچ پیترزمن<sup>۱</sup>

ترجمه: محمود جلالی<sup>۲</sup>

## چکیده

قوانین تجارت آزاد، از جمله مقررات حاکم بر سازمان تجارت جهانی (س.ت.ج.)، و حقوق بشر هر دو بر پایه ارزشهای مشابهی همچون آزادیهای فردی و مسؤولیت (مثلاً تعدیل در رقابت)، عدم تبعیض، حکومت قانون، دسترسی به دادگاهها و رسیدگی قضایی به اختلافات، ارتقای سطح رفاه اجتماعی از طریق همکاریهای مسالمت‌آمیز بین شهروندان آزاد و تصویب قوانین ملی و بین‌المللی بنا نهاده شده‌اند. ارزشهای غیر اقتصادی قوانین حاکم بر س.ت.ج. برای حقوق بشر و رفاه شهروندان، کم‌اهمیت‌تر از نتایج رفاه اقتصادی تجارت آزاد نیست. سازمان تجارت جهانی مانند جامعه اروپا، می‌تواند و باید نه فقط پشتیبان آزادسازی اقتصادی بلکه به‌طور کلی پشتیبان آزادی بشری باشد. به‌منظور جدی‌تر تلقی نمودن حقوق بشر و جامعه مدنی، این مقاله پیرامون ایجاد اصلاحات اساسی در حقوق س.ت.ج. بحث می‌کند.

**واژگان کلیدی:** سازمان تجارت جهانی، حقوق بشر، حقوق اساسی، جهانی شدن حقوق و تجارت، حقوق بین‌الملل

۱ \_ Ernst-Ulrich Petersman استاد حقوق در دانشگاه و مؤسسه مطالعات بین‌المللی ژنو می‌باشد. این مقاله در مجله حقوق بین‌الملل اقتصادی سال ۲۰۰۰ صص ۱۹-۲۵ چاپ شده است.

۲ \_ عضو هیأت علمی و مدیر گروه حقوق دانشگاه اصفهان.

حمایت از حقوق بشر در اقتصاد و تجارت جهانی از موضوعات نسبتاً جدید مطرح شده در حقوق بین‌الملل است. در چند دهه گذشته، پس از جنگ جهانی دوم به‌خصوص از دهه ۱۹۸۰ به بعد، قشرهای مختلف مردم جهان از کشاورزان، دهقانان و کارگران، اتحادیه‌های تجاری، گروههای فعال حقوق بشری، طرفداران محیط زیست، دانشجویان و دیگران نسبت به موافقتنامه‌های تجاری و اینکه چگونه این اسناد، حقوق و زندگی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد شدیداً اظهار نگرانی کرده‌اند. تأسیس سازمان تجارت جهانی نیز بر نگرانیهای مذکور افزوده است؛ مثلاً در اجلاس وزیران سازمان تجارت جهانی در دوحه قطر که از ۹ تا ۱۳ نوامبر ۲۰۰۱ برگزار گردید، در خصوص یکی از حادثترین مشکلات بشری، یعنی ایدز مباحث بسیاری مطرح گردید. کشورهایی که از این بلا رنج می‌برند به همراه گروههای حقوق بشری همچون دیده‌بان حقوق بشر، از کشورهای توسعه‌یافته درخواست نمودند تا به آن دسته از کشورهای در حال توسعه که ایدز دامن‌گیر آنهاست اجازه استفاده از استثنائات موجود در حقوق سازمان را بدهند تا از این طریق، کشورهای مزبور بتوانند بدون رعایت مقررات حاکم بر مالکیت معنوی سازمان، داروی مورد نیاز خود را که قادر به خرید آن نیستند وارد نمایند. حقوق سازمان در شرایط اضطراری و جایی که کالایی استفاده تجاری ندارد، این امر را مجاز می‌داند.

واقعیت این است که در دهکده جهانی امروز، به‌رغم امتیازاتی که جهانی شدن داشته است، فاصله فقیر و غنی هر لحظه افزون‌تر گردیده، صدها میلیون انسان از حقوق بشر بنیادینی که در منشور سازمان ملل متحد و دیگر اسناد حقوق بشر به‌عنوان «حقوق» به رسمیت شناخته شده‌اند محروم‌اند. در این راستا یکی از ملاکهای تداوم فعالیت‌های سازمان تجارت جهانی چگونگی نگرش آن به مسائل حقوق بشر است. سازمان نه تنها در موافقتنامه‌های مربوط به تأسیس، بلکه در تصمیم‌گیری‌های اتخاذی در کنفرانسها و در حل و فصل اختلافات توسط هیأت‌های حل اختلاف و مرجع تجدید نظر خود باید ضمن رعایت اصول و قواعد حقوق بشر، سبب تشویق و ترویج این حقوق گردد. البته بین تجارت و حقوق بشر، تا زمانی که رژیم تجاری متناسب با تعهدات حقوق بشری کشورها باشد، تعارضی به‌وجود نخواهد آمد؛ زیرا در حقوق بین‌الملل، تعهدات حقوق بشری کشورها از نظر سلسله مراتب، «تعهدات عام‌الشمول» (Erga Omnes) محسوب شده، از وضعیت «عرفی» (Customary) برخوردارند و در جایی که تعهدات مذکور از ویژگی «قاعده آمره» (Jus Cogens) برخوردار باشند، بر تمامی تعهدات دیگر از جمله تعهدات تجاری برتری و حکومت دارند؛ زیرا همان‌طور که لوئیس هنکین استاد برجسته حقوق بین‌الملل می‌گوید عصر ما «عصر حقوق است» و حقوق بشر «تنها ایده اخلاقی - سیاسی است که مقبولیت جهانی پیدا کرده است». شاید به همین دلیل است که در مقدمه

موافقتنامه ۱۹۹۴ مراکش که سازمان را تأسیس می‌نماید آمده است که «فعالیت‌های تجاری و اقتصادی باید در راستای ارتقای استانداردهای زندگی صورت گیرد و مطابق با اهداف توسعه پایدار، اشتغال کامل را تضمین نماید».

مقاله حاضر، هم به لحاظ نویسنده که از نام‌آوران عرصه حقوق سازمان تجارت جهانی و حقوق بشر است و هم از نظر موضوع و به روز بودن آن بسیار معتبر است. نویسنده بحث ادغام اصول حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و فعالیت‌های مربوط به تجارت جهانی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد که از محاسن زیادی برخوردار است. اگرچه درباره نقش سازمان‌های بین‌المللی غیر حقوق بشری که در بسط و ترویج حقوق بشر تلاش می‌نمایند مطالب زیادی نگارش یافته، این مقاله به‌طور خاص نقش سازمان تجارت جهانی و سازمان بین‌المللی کار را در ارتباط با حقوق بشر بررسی می‌نماید که این از امتیازات آن است. با این حال، ضعفهایی نیز در آن به چشم می‌خورد. از جمله نقایص این است که نویسنده محترم، مقاله را عنوان‌بندی نکرده و نهایتاً از آن نتیجه‌گیری ننموده است. همچنین از لحاظ ارجاعات و پاورقی‌ها غنی نمی‌باشد. بدین جهت مترجم (م.) تلاش نموده است با اضافه نمودن پاورقی‌ها، منابع و مآخذ مرتبط با موضوع و ارائه برخی توضیحات، پارهای از این معایب را بر طرف نماید.

باید یادآور شد که گرچه در درازمدت مراعات قواعد تجاری بین‌المللی می‌تواند در جهت احترام به رعایت حقوق بشر نقش اساسی ایفا کند، عضویت سازمان به‌خودی خود تضمین‌کننده حکومت قانون، رعایت حقوق بشر و اصلاحات سیاسی نیست. رعایت مقررات کپی‌رایت، مالکیت معنوی و آثار فکری، پرداخت حقوق استاندارد کارگران، مداخله یا کاهش مداخلات دولت در امور مردم و اموری از این قبیل، مسائلی است که نه تنها در اسناد سازمان تجارت جهانی، بلکه در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶ سازمان ملل متحد نیز به رسمیت شناخته شده‌اند. این نگرانی در خصوص کشورهایی مثل چین که اکنون عضو سازمان است بشدت وجود دارد که عضویت در سیستم آزاد تجاری نباید به قیمت قربانی شدن آزادی‌های سیاسی و بنیادین شهروندان تمام شود. گشایش «بازارها» باید به گشایش «زندانیها» و «رفع محدودیت‌های اقتصادی» باید به «رفع محدودیت‌های تحمیلی بر مطبوعات، اینترنت و ماهواره» نیز بیانجامد.

در طول آماده‌سازی کنفرانس وزیران سازمان تجارت جهانی (World Trade Organization) در سیاتل (Seattle) در اوایل دسامبر ۱۹۹۹، نمایندگان گروه‌های حقوق بشری، گروه‌های زیست محیطی، اتحادیه‌های کارگری و دیگر سازمان‌های غیر دولتی از

اینکه ممکن است آزادسازی تجارت بین‌المللی وضعیت بهره‌کشی و استثمار کودکان و زنان کارگر (برای مثال در صنایع نساجی و فرش‌بافی در کشورهای کمتر توسعه یافته)، بیکاری و کاهش دستمزد در صنایعی که در آنها رقابت کمتر است، آلودگی محیط زیست و نقض حقوق بشر را وخیم‌تر کند، نگرانیهای فزاینده‌ای ابراز کردند. عدم شفافیت مذاکرات سازمان تجارت جهانی و غلبه تولیدمحور در دستور جلسات آن مورد انتقاد قرار گرفت. این اظهارات، نگرانی از اینکه ممکن است مذاکره‌کنندگان تجاری از حقوق بشر دور افتند را بیان می‌داشت. به‌منظور ارتقای بیشتر وجهه انسانی س.ت.ج، پیشنهاد شد که یک قید (Clause) اجتماعی، یک قید زیست‌محیطی و یا حتی یک قید حقوق بشری در موافقتنامه سازمان گنجانده شود و تمام جلسات و مراحل حل و فصل اختلافات س.ت.ج نیز به روی عموم گشوده باشد.

دیپلماتهای تجاری و اقتصاددانان در پاسخ به این انتقادات بر این نکته تأکید می‌کنند که موافقتنامه‌های تجاری، اسناد سیاسی مناسبی برای حمایت از حقوق بشر کودکان و زنان و یا حق بشر در برخورداری از محیط زیست پاکیزه نیستند. همان‌گونه که هیچ کس به محدودیت تجارت در ایالات متحده که به‌منظور برخورد و مقابله با آنچه در بخشهایی از کشاورزی آمریکا «شرایط نیمه برده‌داری» خوانده می‌شود اعتراض نمی‌کند، با مسایل حقوق بشری، زیست‌محیطی و اجتماعی باید مستقیماً از طریق قوانین حقوق بشر و قوانین زیست‌محیطی و اجتماعی، بدون محدود کردن پیشرفتهای رفاهی که به‌وسیله تجارت بین‌المللی ممکن می‌شود برخورد کرد. به نظر می‌رسد تاریخ بر این نکته صحنه می‌گذارد که تحریمهای تجاری با انگیزه سیاسی، به ندرت و به سختی به اهداف سیاسی خود دست یافته‌اند. از آنجا که معاملات تجاری به‌صورت داوطلبانه تنها در صورتی تحقق می‌یابند که فروشنده و خریدار، معامله را برای هر دو طرف سودآور ارزیابی کنند، دولت‌ها باید با استفاده از سایر ابزارهای مؤثرتر سیاست‌گذاری، از آزادی تجارت شهروندانشان حمایت، معایب بازار را تصحیح و کالاهای عمومی را فراهم کنند.

«استدلالهای مربوط به کارایی» که به‌وسیله اقتصاددانان و نمایندگان تجاری عرضه می‌شود هیچ‌گونه پاسخ قانع‌کننده‌ای نسبت به سه استدلال حقوق بشری و اساسی ذیل ارائه نمی‌کند:

در حکومت‌های مردمی (دموکراسی) مبتنی بر قانون اساسی، حقوق اساسی نه تنها از آزادی تجارت، بلکه از حقوق بشر، حاکمیت مردمی و حداقل استاندارد مورد توافق برای همه به‌عنوان بخشی از عدالت اجتماعی حمایت می‌کند. با این حال، در حقوق بین‌الملل شناسایی جدید «احترام جهانی به حقوق بشر و رعایت آنها و آزادی‌های اساسی برای همه» به‌عنوان بخشی از حقوق سازمان ملل متحد (اعلامیه وین ۱۹۹۳ کنفرانس جهانی سازمان ملل در مورد حقوق بشر (UN and Human Rights 1945-1995) (UN 1995) pp. 448-50) در اسناد حقوق بشر آن سازمان و مقاله‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار (س.ب.ک یا International Labour Organization) به نحو مؤثری حمایت نمی‌شوند. از آنجایی که گنجاندن سازوکارهای اجرایی قانونی مؤثرتر در حقوق سازمان ملل و س.ب.ک از لحاظ سیاسی توسط دولت‌های غیرمردمی (غیر دموکراتیک) عضو سازمان ملل و عضو س.ب.ک به بن‌بست رسیده، چرا نباید از روش‌های مسالمت‌آمیز س.ت.ج، گرچه با کارایی کمتر (مثل مذاکره) و راهکارهای اجرایی آن برای حفظ آزادی، عدم تبعیض و دیگر ارزش‌های حقوق بشری در سیاست‌گذاری‌های تجاری درونی و برونی استفاده کرد؟

قوانین حاکم بر س.ت.ج به حقوق اساسی خدمت می‌کند؛ یعنی از آزادی و عدم تبعیض در سرتاسر مرزها و بسیار فراتر از ضمانت‌های یک‌جانبه حقوق داخلی در تمام دول عضو س.ت.ج (هم اکنون ۱۴۶ کشور عضو سازمان می‌باشند) حمایت می‌کنند. سیستم حل و فصل اجباری اختلافات س.ت.ج با تضمین احکام حقوقی الزام‌آور مراجع حل اختلاف و تجدید نظر آن سازمان، حاکمیت قانون را مؤثرتر از هر سیستم معاهده‌ای دیگر جهانی و در زمانی کوتاه‌تر ارتقا می‌بخشد. موافقتنامه س.ت.ج نسبت به بیش از ۲۰ موافقتنامه تجاری جهانی که در الحاقیه موافقتنامه سازمان آمده است برتری قانونی دارد. همچنین این موافقتنامه یک چارچوب قانونی را برای مذاکرات دوره‌ای برسر موافقتنامه‌های جدید س.ت.ج فراهم می‌کند. انسجام این سیاست کلی همچنین با ارجاعات متعددی که در قوانین مربوط به س.ت.ج به موافقتنامه‌های جهانی دیگر مانند منشور سازمان ملل متحد، اساسنامه صندوق بین‌المللی پول و موافقتنامه‌های چند جانبه بر سر حقوق مالکیت معنوی و حمایت از محیط زیست شده، ارتقا می‌یابد. ضمانت‌های س.ت.ج درباره حاکمیت ملی، از حق هر دولت عضو که بتواند تجارت خود را محدود ساخته به‌طوری که عیوب موجود در بازار را تصحیح و اجناس عمومی را فراهم نمایند

نیز حمایت می‌نماید. زیرا این موارد مهم‌تر از آزادسازی تجارت به‌نظر می‌رسند. اگر موافقتنامهٔ س.ت.ج را بتوان به یک نوع قانون اساسی تشبیه کرد، آیا مشروعیت، مقبولیت مردمی و سازگاری حقوقی قوانین آن سازمان با گنجاندن ضمانت‌های اساسی دیگری مانند حقوق بشر تحقق نخواهد یافت؟

همچون معاهده ۱۹۵۷ جامعه اقتصادی اروپا، در گات (General Agreement on Tariffs and Trade) و موافقتنامهٔ س.ت.ج اشاره‌ای به حقوق بشر نشده است؛ چه آنکه آزاد کردن تجارت از موانع تجاری کاهش‌دهندهٔ رفاه عمومی و ترویج قواعد حقوقی بین‌المللی مسلماً برای تمام شهروندان مفید است. بنابراین همان‌طور که حرکت از یکپارچه‌سازی منفی به مثبت منجر به ضمانت‌های اجرایی جامع و گستردهٔ حقوق بشر در قوانین جامعهٔ اروپا شده است، مذاکرات مربوط به قوانین س.ت.ج در خصوص استانداردهای محصولات و تولید، خدمات، سرمایه‌گذاریها، رقابت، محیط زیست و حقوق مالکیت معنوی می‌توانست از ضمانت‌های قانونی دیگری در س.ت.ج که سوءاستفاده قدرتهای دولتی را محدود می‌سازد، بهره‌مند شود. ترویج آزادی، عدم تبعیض، حقوق بشر و حاکمیت قانون از جمله دستاوردهای معاهدهٔ جامعهٔ اروپا بودند که اهمیتی کمتر از اهداف اقتصادی معاهده‌ای یک اتحادیهٔ گمرکی و بازار مشترک نداشتند. بدین ترتیب، دستاوردهای غیر اقتصادی موافقتنامهٔ س.ت.ج مانند حاکمیت قانون وحل و فصل مسالمت‌آمیز مناقشات تحت نظام حل‌وفصل اختلافات آن سازمان، اهمیتی کمتر از دستاوردهای اقتصادی رفاهی حاصل از تجارت آزاد ندارند. بنابراین چرا نباید اصلاحات قانونی دیگر در قوانین سازمان را در نشستهای دوره‌ای آینده سازمان دنبال کرد؟ از جملهٔ آن اصلاحات می‌توان بدین موارد اشاره کرد: حضور آزادانهٔ نمایندگان جامعهٔ مدنی در یک ارگان نظارتی س.ت.ج (مانند مدل کمیتهٔ نظارتی اجتماعی، اقتصادی جامعهٔ اروپا)؛ تفسیر «شروط مربوط به منافع عمومی» مذکور در حقوق س.ت.ج (مثلاً مادهٔ ۲۰ گات) در سازگاری با حقوق بشر که مورد توافق تمام جهانیان است؛ بیانیهٔ ۱۹۹۸ سازمان بین‌المللی کار در مورد اصول بنیادین و حقوق محیط کار و یا موافقتنامه‌های زیست‌محیطی چند جانبهٔ مورد قبول اعضای س.ت.ج.

حقوق مالکیت معنوی، همچون حقوقی که در موافقتنامهٔ س.ت.ج مربوط به حقوق مالکیت معنوی مرتبط با تجارت (تربیس یا Trade-Related Intellectual Property Rights)

مورد حمایت قرار گرفته‌اند، در اسناد حقوق بشر مانند ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ و ماده ۱۵ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶ سازمان ملل، به عنوان حقوق بشر به رسمیت شناخته می‌شوند. با این حال، موافقتنامه تریپس به حقوق مربوط به حقوق بشر هیچ اشاره‌ای نمی‌نماید. سیاستمداران تجاری حتی اگر به حمایت از حقوق سرمایه‌گذاری خصوصی و رقابت سالم با استفاده از قوانین س.ت.ج معتقد باشند ترجیح می‌دهند که از بحث و گفتگو در مورد حقوق بشر و سیاسی کردن روابط تجاری ناشی از آن با کشورهای غیر دموکراتیک خودداری کنند. علاوه بر این، به-رغم بیانیه روزولت در مورد «آزادی از نیاز» (Freedom from Want) به‌عنوان یکی از چهار آزادی‌ای که نیروهای متفق در جنگ جهانی دوم بر سر آن جنگیدند، ایالات متحده هرگز چونان یک رهبر برای حضور در معاهدات حقوق بشر جهانی ظاهر نشده است. عدم حضور آن کشور در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶ سازمان ملل نیز نشان دهنده این امر است. بسیاری از نمایندگان س.ت.ج به خوبی از تفاوت میان اسناد حقوق بشر از یک طرف و نقض مکرر آن در عمل از طرف دولت‌های عضو سازمان ملل آگاهی دارند. حتی مدافعان حقوق بشر ممکن است نگران این مسأله باشند که اعمال حقوق بشر از طریق آیین حل و فصل اختلافات س.ت.ج ممکن است به نوع جدیدی از رویه قضایی در زمینه حقوق بشر بیانجامد که مانند برخی از آرای دادگاه دادگستری جامعه اروپا از تفاسیر سنتی حقوق بشر متفاوت باشد.

ضمانت اجراهای حقوق بشر اکثراً مربوط به آزادیهای فردی، عدم تبعیض، فرصت‌های برابر و حاکمیت قانون هستند. ضمانت‌های بین‌المللی حفظ آزادی و عدم تبعیض را، مانند آنچه در معاهده جامعه اروپا و یا در کنوانسیون‌های حقوق مالکیت معنوی سازمان جهانی مالکیت معنوی (World Intellectual Property Organization) یا در کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق کار که تحت نظارت س.ب.ک می‌باشند آمده است، مدت مدیدی است دادگاه‌های داخلی در شمار حقوق فردی شناسایی و حمایت می‌کنند. از جمله این حقوق می‌توان به آزادی تجارت به عنوان یکی از حقوق اساسی شهروندان جامعه اروپا اشاره نمود (ببینید قضیه European Court Reports 240/83, ADBU, 1985, pp. 531, 548). با این حال اگرچه اکثر مردم، بیشتر وقت خود را برای تولید محصولات و خدمات و تجارت محصولات ناشی از کار خود در معاوضه با کالاها و خدماتی صرف می-

کنند که خود قادر به تولید آنها نیستند، به نظر می‌رسد تضمینات قانونی گات و س.ت.ج در مورد آزادی و عدم تبعیض بر آن هستند که از نظر قضایی، تنها در مقابل کشورهای خارجی مورد حمایت قرار گیرند (مثل ماده ۳۰۱ قانون تجارت ایالات متحده و سیستم حل و فصل اختلافات س.ت.ج) نه به‌عنوان آزادیهای فردی شهروندان داخلی در مقابل دولتهایشان. به نظر می‌رسد مذاکرات گات و س.ت.ج را صنایع صادراتی که از لحاظ سیاسی قدرتمند بوده، تمایل دارند به بازارهای خارجی دست یابند، اداره می‌کنند. ضمانت اجرای تجاری گات و س.ت.ج در مورد دستیابی به بازارهای خارجی و حقوق حمایتی (Rights to Protection) و فقدان ضمانتهای اجرایی س.ت.ج در مورد حقوق واردات (Rights to Import) بیانگر این حقیقت است که مشتریان عمومی و منافع شهروندی در تجارت آزاد و حمایت از حقوق بشر هنوز به‌طور مؤثری در مذاکرات گات و س.ت.ج پشتیبانی نمی‌شوند. بنابراین تاجران آزاد باید از حمایت گروههای حقوق بشری که در صدد نهادینه سازی قوانین س.ت.ج هستند استقبال کنند. درست همان‌گونه که شرلاک هولمز (Sherlock Holmes) پرسید «چرا سگ پارس نکرد؟»<sup>۱</sup> شهروندان کشورهای عضو س.ت.ج باید به‌درستی نگران این مسأله باشند که چرا مذاکرات دوره‌ای س.ت.ج این‌قدر به‌طور یکجانبه بر روی منافع تولیدکنندگان (مانند قوانین ضد دامپینگ) و به ضرر منافع شهروند عمومی، در جهت به حداکثر رساندن رفاه مشتری از طریق تجارت آزاد تمرکز می‌یابند و چرا دیپلماتهای س.ت.ج حقوق حاکم بر حقوق بشر را نادیده می‌گیرند؟

یکی از مشکلات ادغام حقوق بشر در حقوق تجارت آزاد، این واقعیت است که حقوق بشر یک سنت طولانی از بی‌توجهی به آزادیهای اقتصادی را به خود دیده است. حقوق بشر به لحاظ تاریخی در پاسخ به سوء استفاده قدرتهای دولتی تکامل یافت.

---

۱\_ اشاره به پرونده‌ای است که در آن، اسب مسابقه گران قیمتی به نام Silver Blaze از اصطبل خود دزدیده می‌شود. وقتی که گریگوری قاضی تحقیق کننده اسکاتلندی از شرلاک هولمز در دادگاه می‌پرسد آیا موضوعی که نیاز به تحقیق ویژه داشته باشد وجود دارد، وی پاسخ می‌دهد موضوعی که کنجاوی او را جلب نموده، این است که چرا در هنگام سرقت، سگی که نگهبان بوده پارس نکرده است؟ این امر شاید به این خاطر بوده که سگ سارق را می‌شناخته است. سؤال مذکور باعث می‌شود تعداد مظنونین محدود گردد و سپس با دستگیری سارق معما حل شود (مترجم).

تأکید اصلی تحولات حقوق بشر در قرون ۱۷ و ۱۸ در آمریکا، فرانسه و انگلستان، حقوق سیاسی و مدنی بود. از جنگ جهانی دوم به بعد در حقوق متحد الشکل جهانی و اروپایی، رفاه شهروندی و ارتقای حقوق اجتماعی و اقتصادی به مهم‌ترین اهداف تبدیل شدند. گرچه این ناهنجاری عجیبی است، اغلب حقوق‌دانان و قضات کماکان برای آزادیهای سیاسی و مدنی بیش از آزادیهای اقتصادی اهمیت قائل‌اند و تردید دارند که آیا حقوق اقتصادی و اجتماعی برنامه‌ای یا توزیعی (Programmatic or Redistributive) قابلیت رسیدگی از طریق قضایی را دارند یا خیر؛ یعنی آیا می‌توان در حمایت از این‌گونه حقوق به دادگاهها متوسل شد؟

نظریه‌های حقوق اساسی و اقتصادی برای حمایت قضایی و حقوقی از آزادی‌های اقتصادی و حقوق اموال در مقابل سوء استفاده قدرت اقتصادی (مثلاً توسط موافقتنامه‌های کارتلی،<sup>۱</sup> انحصاری کردن و دیگر سوء استفاده‌های قدرت بازار) دلایل محکمی ارائه می‌کنند. به‌موجب نظر دیوان عالی ایالات متحده، قوانین ضد تراست به مثابه منشور کبیر ۲ بازرگانی آزاد محسوب می‌شوند. آنها برای حفظ آزادیهای اقتصادی و سیستم بازرگانی آزاد همان قدر که اعلامیه‌های حقوق (Bill of Rights) برای حمایت از آزادیهای اساسی مهم است، اهمیت دارند (بینید قضیه *United States v. Topco*, 405 US 595, (1972) 610). علاوه بر این، همان‌طور که در مفهوم حقوق بشر به‌عنوان حقوق مالکیت در فلسفه جان لاک مشاهده می‌شود، اهمیت حقوق اقتصادی فراتر از علم اقتصاد است (John Lock, 1690, Ch. 5, para. 27).<sup>۳</sup> در طول تاریخ مشاهده می‌کنیم که مالکیت

---

۱- کارتل مرکب از چند شرکت تجاری است که با توافق خود، کار مشترکی مثل محدودیت در تولید، خرید مشترک مواد خام و یا توزیع مشترک کالاها را بر عهده می‌گیرند. برعکس یک تراست، در کارتل اعضا استقلال خود را حفظ کرده، کنترل امور به مدیریت واحد واگذار نمی‌شود (مترجم).

۲- *Magna Carta* سند مهمی در تاریخ انگلستان است که شاه انگلستان (King John) در سال ۱۲۱۵ در «رانیمد انگلستان» امضا کرد. با امضای آن، شاه موافقت کرد که محدودیتهایی در مورد قدرت سلطنتی اعمال شود. بعداً به‌خصوص در قرن ۱۷ این سند به عنوان یک بنیانه بنیادین برای حقوق مدنی در نظر گرفته شد. چهار کپی از سند اصلی هنوز وجود دارد (مترجم).

۳- مقایسه کنید با مطلب جان لاک که می‌گوید: اگرچه زمین و تمامی مخلوقات حقیرتر برای همه انسانها مشترک است، هر انسانی برای خودش اموالی شخصی دارد که نسبت به این اموال، هیچ‌کس جز خودش حقوقی ندارد. ما می

خصوصی نه تنها مشوقی برای ذخایر اقتصادی، سرمایه‌گذارها و موفقیت مالی، بلکه سدّی بوده است در راه قدرت دولتهایی که در صدد محدود کردن آزادی خصوصی و دخالت در حاکمیت قانون بوده‌اند. آزادیهای اقتصادی و حقوق مالکیت را می‌توان براساس این مسأله اخلاقی توجیه کرد که تمام انسانها را می‌توان قادر ساخت به نحوی که با شرافت و رضایت نفس همراه با فرصتی برای توسعه شخصیتشان مطابق میل و ظرفیتهای فردی خود عمل کنند.

اگر بازارها را ساز و کارهایی بدانیم که ترجیحات فردی را آشکار می‌کنند، گفتگو در مورد ارزشها را ترویج می‌نمایند، افراد را قادر می‌سازند تا پیشرفت کرده و فعالیتهای خودمختارانه خود را هماهنگ کنند، افراد را به پذیرش مسؤولیت تشویق نمایند و قصور بازار را مورد تنبیه قرار دهند، بازارهای آزاد مکملهایی ضروری برای آزادی فردی و دموکراسی قانونی می‌باشند.

اقتصاددانان مطلع از حقوق اساسی بر نوعی «تناقض آزادی» (Paradox of Freedom) تأکید دارند. این تناقض عبارت است از گرایش ذاتی بازارهای اقتصادی و سیاسی در تخریب خود از طریق سوء استفاده از قدرت سیاسی و اقتصادی، مگر اینکه این آزادیها به وسیله ضمانتهای قانون اساسی در مقابل قصور بازار و دولت حمایت شوند. نظریه اقتصادی حقوق مالکیت و نظریه‌های مربوط به رقابت مشخص می‌سازند که چرا عملکرد صحیح بازارها به انجام رقابتهای از راه تعیین آزادیهای فردی، حقوق مالکیت و قوانین مربوط به مسؤولیت تمام عوامل اقتصادی بستگی دارد. شواهد تجربی نشان می‌دهند که مؤثر بودن قواعد بازار (مثلاً قوانین رقابت و قوانین اتحادیه‌های گمرکی در جامعه اروپا و ایالات متحده) اغلب باعث می‌شود اعضای بازار و دادگاهها بتوانند به‌عنوان «قدرتهای مخالف» علیه توافقات کارتلی و دیگر محدودیتهای حمایتگرانه تجاری عمل نمایند.

اعلامیه کنفرانس جهانی سازمان ملل ۱۹۹۳ وین در مورد حقوق بشر، ماهیت جهانی حقوق بشر را پایه شکوه و ارزش ذاتی شخص انسان شناخت. این توجیه اخلاقی با «ضرورت محض» (Categorical Imperative) ایمانوئل کانت مطابق است که برطبق آن، آزادی اخلاقی و شکوه انسانی هر فرد، از لحاظ اخلاقی، حقوق بشر را امری ضروری می‌سازد؛ چرا که این حقوق، آزادی شخصی و سیاسی و اقتصادی هر فرد را در حد

اعلایی تضمین می‌کند و باعث می‌شود افراد، خودمختاری خود را با آزادیهای برابر افراد دیگر در یک جامعه قانونمند سازگار نمایند. کانت همچنین در طرح فلسفی خود (۱۷۹۵) در مورد «صلح دائمی» (Perpetual Peace) توضیح می‌دهد که چرا حقوق بشر تا زمانی که قوانین اساسی داخلی با ضمانت اجراهای بین‌المللی تکمیل نشده‌اند، به وسیله سیاست قدرتهای خارجی در معرض تضعیف و به تحلیل رفتن قرار دارند.

حقوق حاکم بر حقوق بشر به قوانین س.ت.ج. مشروعیتی اخلاقی، قانونی و مردمی می‌بخشد که بسیار فراتر از توجیهات سنتی اقتصادی و سودجویانه است. این مشروعیت برای حمایت مردمی از موافقتنامه‌ها و مذاکرات آینده س.ت.ج. بسیار ضروری است. در مقایسه با دیدگاه بازرگانی سنتی و مذاکرات تجاری گذشته که بر مزایای دستیابی به بازارهای خارجی تمرکز می‌یافت، یک دیدگاه حقوق بشری بر مزایای آزادی فردی در تجارت داخلی و بین‌المللی و بر نیاز به حفظ حقوق شهروندان با رقابت تکمیلی و قوانین اجتماعی و زیست محیطی و حضور آزادانه گروهها، متمرکز می‌شود. همان‌طور که در حقوق جامعه اروپا می‌بینیم، «ما شهروندان» باید موضوع اصلی و ذی‌نفع درجه اول قوانین س.ت.ج. باشیم. حمایت از آزادی، برابری قانونی و همکاری مسالمت‌آمیز در سراسر جهان که از نظر قانونی و اخلاقی مهم‌تر از منفعتهای زودگذر اقتصادی‌اند، باید به عنوان اهداف س.ت.ج. محسوب گردند.

شکست کنفرانس وزیران س.ت.ج. در سیاتل از یک سو و «جشن چای» در آنجا (Seattle Tea Party) توسط مخالفان خشن «تجارت جهانی» که بر قوانین س.ت.ج. مبتنی است از سوی دیگر، زنگ خطری است برای دیپلماتهای تجاری ضروری است که آنها «تکالیف حقوق بشری» و مشروعیت قوانین و قواعد س.ت.ج. را به طور قانع کننده‌ای برای شهروندان داخلی خود توضیح دهند:

الف) آزادی بدون قواعد، تمایل ذاتی دارد به تخریب خود از طریق سوء استفاده قدرتهای خصوصی و عمومی. این «تناقض آزادی» که قبلاً توسط افلاطون بیان شده است، در مورد تجارت جهانی نیز صدق می‌کند؛ زیرا در مواردی چون اشتراکی ساختن جهانی صنایع (کارتلیزاسیون)، حمایت دولتی، فقر جهانی و بیکاری در طول رکود اقتصادی دهه ۱۹۳۰، آن را مشاهده کردیم. بدون ضمانتهای بین‌المللی س.ت.ج. در مورد تجارت آزاد و رفاه مشتریان، در کلیه کشورها میزان اشتغال بسیار کمتر از آن

چیزی خواهد بود که امروز وجود دارد و شهروندان تمام دولتهای عضو سازمان از نظر قانونی در مقابل سوء استفاده قدرتهای سیاسی - تجاری و اقتصادی - شخصی کمتر حمایت خواهند شد.

ب) جهانی شدن نه تنها پدیده‌ای اقتصادی و تکنولوژیکی، بلکه پدیده‌ای حقوقی است. شناخت جهانی حقوق بشر به عنوان قسمتی از حقوق بین‌الملل عمومی به قوانین جهانی نیاز دارد تا مانند ضمانت اجرای س.ت.ج از آزادی اقتصادی و قانونی و عدم تبعیض در سراسر جهان حمایت کند و قادر به حل و فصل قضایی مناقشات در سطوح ملی و بین‌المللی باشد. بدون ضمانتهای قانونی س.ت.ج، شهروندان هیچ راه حل قانونی مؤثری بر علیه «پارادوکس تبعیض» ندارند - این پارادوکس به این معنی است که آزادی عمل سیاست تجاری میان ۲۰۰ دولت حاکم در اقتصاد جهانی امروز تبعیض به وجود می‌آورد و همچنین به سیاستمداران و گروههای سودجو برای تبعیض میان شهروندان داخلی فرصتی احتمالی می‌دهد تا از طریق اخذ مالیات، محدود کردن واردکنندگان، صادرکنندگان و مصرف‌کنندگان، اجناس و خدمات خارجی و بنابراین توزیع مجدد پول پرداخت شده توسط مالیات دهندگان، در جهت منافع گروههای صاحب نفوذ و قدرتمند حرکت کنند.

ج) حقوق بشر در سطوح بین‌المللی و ملی به شفافیت در زمینه سیاست‌گذاری و حضور آزادانه در روند برنامه‌ریزی س.ت.ج نیاز دارد. درست همان‌گونه که شهروندان دسترسی مستقیم به نهادهایی مانند جامعه اروپا، موافقتنامه تجارت آزاد آمریکای شمالی (North American Free Trade Agreement) و ترانس آتلانتیک بین اتحادیه اروپا و ایالات متحده دارند، حضور آنها در ارکان مشورتی س.ت.ج و دیگر راهکارهای دولتی بین‌المللی در سطوح مختلف می‌تواند مشروعیت و حمایت سیاسی سیستم تجارت جهانی را تقویت کند. روش سنتی «انحصار نمایندگان» در سیاست‌گذاری بین‌المللی، در طول قرن بیستم در ایجاد جنگهای جهانی اول و دوم نقش داشته است. شهروندان این حق را دارند که بر دایره شمول بیشتر و بازتر در روند سیاست‌گذاری تجارت بین‌المللی پافشاری کنند. دولتهایی که در قبال شکستهای سیاسی خود مسؤولیت چندانی ندارند، ممکن است تمایل اندکی در حمایت از تجارت آزاد داشته باشند. حامیان س.ت.ج باید به طرفداران دموکراسی کمک نمایند تا بفهمند همان‌گونه که تجارت فراملی از تجارت

داخلی منفعت کمتری ندارد، تضمینات س.ت.ج در مورد آزادی و عدم تبعیض، اهمیت کمتری از آزادیها و برابری قانونی در حقوق داخلی ندارند. تضمینات ملی و بین‌المللی، آزادی حاکمیت شخصی شهروندان را توسعه می‌دهد و با حاکمیت آزادانه جمعی آنها برای تصمیم‌گیری در خصوص اهداف و اولویتهای ملی، اجتماعی و زیست‌محیطی و دیگر سیاستها از طریق پارلمانهای ملی کاملاً سازگار است. جهانی‌سازی اقتصاد، تکنولوژی و حقوق، فرصتهای رفاهی وسیعی را در اختیار تمام شهروندان قرار می‌دهد؛ بنابراین تفهیم این مطلب به تعدیل قوانین ملی و بین‌المللی نیاز دارد و این مهم بدون وجود نهادهایی چون س.ت.ج و بدون سیاستهای تعدیلی مؤثرتر ملی، از جمله نوعی آماده‌سازی بهتر و رهبری‌ای با مسؤولیت پذیری بیشتر از طرف ایالات متحده برای کنفرانس بعدی وزیران س.ت.ج، محقق نمی‌شود.

- 1- *European Court Reports*, 240/83, ADBU, (1985).
- 2- General Agreement on Tariffs and Trade(GATT) 55 *UNTS* 194.
- 3- Howse R., The World Trade Organization and the Protection of Workers' Rights, *Journal of Small and Emerging Business Law*, Vol. 3 (1999).
- 4- Howse R. and Mutua M., Protecting Human Rights in a Global Economy: Challenges for the World Trade Organization 2000, in <http://www.ichrdd.ca/english/commdoc/publications/globalization/wtoRightsGlob.html> viewed on 20 Feb., 2004.
- 5- Lock J., *Second Treatise of Government*(1690).
- 6- McCrudden C., International Economic Law and the Pursuit of Human Rights: A Framework for Discussion of "Selective Purchasing" Laws under the WTO Government Procurement Agreement, *Journal of International Economic Law*, Vol. 3 (1999).
- 7- Mehra, M. (Ed.), "Human Rights and Economic Globalisation: Directions for the WTO", Global Publication Foundation, Sweden, November 1999.
- 8- North American Free Trade Agreement(NAFTA).
- 9- United States v. Topco, 405 US 595, 610(1972).
- 10- United Nations and Human Rights 1945-1995(UN 1995), Vienna Declaration of the UN World Conference on Human Rights, (1993).